



یادداشت سردبیر

از سایه‌نویسی^۱ تا جعل عمیق^۲ (۱)

وقتی از خیابان انقلاب به راسته کتاب‌فروشان نزدیک می‌شویم تابلوها و بازار یابان بسیاری ما را به سمت دکان‌ها و دکه‌هایی هدایت می‌کنند که شغلشان نوشتن پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رساله دکتری، مقاله علمی پژوهشی و... است. البته نیازی به رفتن خیابان انقلاب هم نیست. جستجوی ساده در اینترنت خیل عظیم این سپاهیان علم! را به ما نشان می‌دهد. در این وبسایت‌ها رسماً اعلام می‌کنند که تعیین موضوع، نوشتن پروپوزال، نوشتن رساله یا مقاله و آماده کردن پاورپوینت دفاع پایان‌نامه را با نرخ منصفانه و تضمینی به عهده می‌گیرند حتی برای آنکه خدای نکرده در روز دفاع کوچکترین فشاری به دانشجو وارد نشود آموزش‌های لازم هم برای نحوه دفاع داده می‌شود! بگذریم از اینکه مهندسان، پزشکان و اقتصاددانانی که با این شیوه فارغ‌التحصیل می‌شوند، چه پل‌ها و ساختمان‌های قابل اطمینانی خواهد ساخت و چه مداواها و عمل‌های جراحی زندگی‌سازی را رقم خواهند زد و چه اقتصاد بسامانی را بنا خواهند نهاد!

کار این مؤسسات و افراد سایه‌نویسی است. سایه‌نویس به فرد یا مؤسسه‌ای گفته می‌شود که به‌جای فرد دیگری اثری را پدید می‌آورد و نامی از او در اثر پدیدآمده برده نمی‌شود. سایه‌نویسی در امور آکادمیک نوعی انحراف و کار غیراخلاقی محسوب می‌شود اما در سایر حوزه‌ها مثل سیاست و هنر، مرسوم و اغلب غیرمذموم است. آنان تشکیلات و انجمن خاص خود را دارند^۳. اگر در گذشته با شک گفته می‌شد که نویسنده کتاب‌هایی مثل

1. Ghostwriting

2. Deepfake

3. <http://>

associationofghostwriters.org

"ماموریت برای وطنم" شجاع‌الدین شفاست اما امروز شما با استفاده از نعمت شبکه‌ها حتی به نرخ پرداخت شده هیلاری کلینتون^۱ برای نوشتن خاطراتش دسترسی دارید.

در اینکه سایه‌نویسی در پژوهش‌های دانشگاهی نوعی کجروی، انحراف و سرقت علمی محسوب می‌شود، هیچ تردیدی نیست اما استفاده از دستاورد دیگران به سایه‌نویسی محدود نمی‌شود.

اگر جمله‌ای، پاراگرافی، ایده‌ای و یا چندصفحه از فرد و یا منبع دیگری (حتی از آثار خود) بدون ذکر ماخذ در متنی آورده شود، سرقت ادبی یا علمی محسوب می‌شود. آگاهانه یا ناآگاهانه انجام‌دادن این کار تأثیری در سرقت دانستن آن ندارد. بسیار پیش آمده است که پایان‌نامه‌ها و رساله‌هایی را بررسی کرده‌ام که مطالب زیادی را عیناً از منابعی نقل کرده اما در آنها حتی یک نقل قول مستقیم وجود نداشته است. البته در عرصه پژوهش، سرقت فقط محدود به استفاده جزئی از آثار دیگران و نقل نکردن مشخصات منبع نیست. گاهی فرد دست به سرقت تمام و کمال می‌زند و کل اثری را به نام خود معرفی می‌کند.

سال‌ها پیش دانشجوی تربیت مدرس بودم و موضوع پایان‌نامه کارشناسی ارشدم کتابخانه‌های مدارس ایران بود. با آموزش و پرورش برای گردآوری اطلاعات توافق کردیم. پرسشنامه، نام و آدرس مدارس که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند و حتی متن بخشنامه‌ای که برای مناطق باید فرستاده شود را تنظیم کردم و به وزارت خانه تحویل دادم. پس از چندی یک وانت پرسشنامه تکمیل شده تحویلم شد. با تلاش بسیار آن حجم زیاد پرسشنامه تجزیه و تحلیل شد. به‌عنوان اولین فارغ‌التحصیل رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی در تربیت مدرس از پایان‌نامه دفاع کردم.

پس از مدتی مرحوم دکتر حری که در جریان پایان‌نامه من بودند اطلاع دادند که پایان‌نامه من به‌عنوان گزارش یک پروژه با نام فرد دیگری در وزارت آموزش و پرورش مطرح شده و در مقدمه آن از فردی به نام فرامرز خسروی! تشکر شده است! این اولین رویارویی من با سرقتی تمام عیار بود.

تصور این بود که با ظهور برنامه‌های مشابه‌یاب این نوع سرقت‌های درشت کمی تعدیل شده باشد اما چنین نشده است. چندی پیش معلوم

1. Hillary Clinton

شد که پایان‌نامه‌ای که دو سال قبل در یکی از شهرستان‌ها ارائه شده و با نمره نوزده و نیم دفاع شده است عیناً فقط با تغییر مختصر عنوان دوباره در تهران ارائه شده و با نمره بیست دانشجوی جاعل فارغ‌التحصیل شده است. ظاهراً اینان از اختلاسگران یاد گرفته‌اند که به کم اکتفا نمی‌کنند! شاید فکر کنیم که گونه‌های سرقت علمی پدیده‌ای جدید و داخلی است اما جستجوی کوتاه نشان می‌دهد که این انحراف پیشینه‌ای دیرینه دارد و جهانی است.

تحریف در کتب مقدس از بحث‌های بسیار پر دامنه‌ایست که مطالب بسیاری درباره آن نگاشته شده است. افرادی چون شمس قیس رازی از علمای سلف و همایی و زرین‌کوب از علمای خلف در حوزه ادبیات بدان پرداخته و انواع آن را ذکر کرده‌اند.^۱ یکی از دقیق‌ترین تعریف‌ها را قیس رازی از سرقت ادبی (انتحال) به دست داده است: «انتحال، سخن دیگری بر خود بستن است و آن چنان باشد که کسی شعر دیگری را مکابره بگیرد و شعر خویش سازد، بی‌تغییری و تصرفی در لفظ و معنی آن یا به تصرفی اندک، چنانک بیتی بیگانه به میان آن درآرد یا تخلص بگرداند».^۲

انتحال دامن بسیاری از محققان و سیاستمداران حال و گذشته را گرفته است. ۱. مرتضایی، سیدجواد. از توارد تا مقالات زیادی در له و علیه سرقت‌های علمی جناب ملاصدرا نگاشته شده^۳ و سیاستمدارانی چون رئیس‌جمهور مجارستان، وزیر علوم و دفاع آلمان و نخست‌وزیر رومانی را یا به دادگاه کشانده یا وادار به استعفا کرده است!^۴ فقط طی سه سال ۵۰ هزار سرقت علمی در دانشگاه‌های انگلیس رخ داده که نویسنده ایندیندنت از آن با عنوان اپیدمی انتحال^۵ یاد کرده است.

هدف این یادداشت بیان علل و دلایل سرقت ادبی و یا راه‌های پیشگیری از آن نیست. کتاب‌ها و مقالات ارزشمندی به کفایت بدان پرداخته‌اند که با جستجوی ساده قابل دستیابی‌اند. هدف اصلی طرح این سوال است: یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد و یا رساله دکتری ابتدا پیشنهاد آن از یکی دو کمیسیون و جلسه عبور می‌کند و بعضاً برای دفاع از پیشنهاد

جلسه دفاع هم تشکیل می‌شود. پس از آن دانشجو تحقیقش را زیر نظر استادان راهنما و مشاور که گاهی بیش از دو نفرند، انجام می‌دهد. سپس در جلسه دفاع دو سه نفر داور داخلی و خارج از دانشگاه آن را مطالعه و نقد می‌کنند. چطور می‌شود این جمع از استادان به سرقت علمی دانشجو، آن

5. <https://www.independent.co.uk/student/news/uk-universities-plagiarism-epidemic-almost-50-000-students-caught-cheating-over-last-3-years-a6796021.html>

هم در زمانی که عینا اثر دیگری را ارائه داده است، پی نمی‌برند؟ وقتی به یکی از استادان راهنما معترض شدم که چرا تشخیص نداده‌اید که حداقل سی صفحه از رساله دانشجوی شما عینا از پایان‌نامه دیگری بدون هیچ تغییری بدون ذکر ماخذ نقل شده است؟ فرمودند: چنان استادانه نقل کرده و دست به جعل عمیق زده است که هیچ کدام نفهمیدیم! اینکه جعل عمیق چیست و چه ربطی به این کار دانشجو دارد در سرمقاله بعد به آن خواهیم پرداخت. البته بعید است نقل سی صفحه کامل بی‌هیچ تغییری و بدون توجه به سبک و سیاق سایر بخش‌ها که با کمی دقت قابل تشخیص است، دزدی استادانه تلقی شود! البته این اعتراض باعث خیر شد که دیگر به‌عنوان داور به آن دانشگاه دعوت نشوم.

مسئله‌ها عوامل فرهنگی، اقتصادی، آموزشی و اخلاقی در روآوری به انتحال و سایه‌نویسی تأثیر دارد اما اهمال و سست‌نگری تیم راهنما و داور نقش تعیین‌کننده‌ای در شدت یافتن این کجروی دارد.

یک استاد متبحر در هر رشته‌ای حداکثر در دو یا سه موضوع اختصاصی می‌تواند صاحب‌نظر باشد و در سطح دکتری به راهنمایی بپردازد. چطور ممکن است که استاد راهنمایی در همه موضوعات تخصصی خود را خبره بداند و همزمان ده‌ها رساله و پایان‌نامه را هدایت کند! علی‌القاعده گروه‌های تخصصی باید مانع اینگونه خودشیفتگی‌های علمی و افراط‌ها باشند اما متأسفانه برخی از این گروه‌ها چنان بسته عمل می‌کنند و دچار بده‌بستانند که نه تنها مشکلی را حل نمی‌کنند بلکه خود مشکل‌آفرینند. گاهی استاد راهنما نقش مؤثری در انجام پژوهش ندارد اما دانشجو موظف است در مقاله علمی نام استادان مشاور و راهنما را هم بیاورد. این رفتار بعضی استادان را معتقد کرده است که: "برخی استادان، دانشجویان را وادار به «کولبری علمی» می‌کنند».

نگاه معیشتی و مالی برای پذیرش راهنمایی پایان‌نامه و رساله هم قابل توجه است. اگر نقل قول زیر را که یک دانشیار دانشگاه بیان داشته مبالغه‌آمیز بدانیم و با آن کاملاً موافق نباشیم اما شوربختانه درباره بعضی استادان مصداق دارد:

«در فیلم «جویندگان طلا»، ساخته چارلی چاپلین، یکی از شخصیت‌های فیلم که گرسنه است شخصیت دیگر را به شکل مرغ می‌بیند و می‌خواهد

1. <http://www.qudsonline.ir/news/682774>

آن را به چنگ آورد. بر همین قیاس می‌توان گفت که برخی از اساتید، دانشجو را به شکل کیسه پول می‌بینند که باید به‌نحوی آن را به دست آورند. این اساتید دانشجو را شکاری در نظر می‌گیرند که باید به دامش اندازند.

دام‌ها یا شگردهایی که به این منظور به‌کار گرفته می‌شوند از استادی به استاد دیگر متفاوت هستند. اساتید ساده مستقیماً از دانشجو می‌خواهند که با آنان پایان‌نامه بگیرد. برخی دیگر کمی غیرمستقیم عمل می‌کنند و موضوعات مختلفی را برای پایان‌نامه به دانشجو پیشنهاد می‌دهند و هر گاه او را می‌بینند بحث پایان‌نامه را پیش می‌کشند. استادی که به دانشجو موضوع می‌دهد منظورش این نیست که دانشجو درباره آن موضوع با استاد دیگری پایان‌نامه بگیرد. دانشجویی می‌گفت وقتی فلان استاد را از دور می‌بیند راه خود را کج می‌کند تا با او مواجه نشود و مجبور نباشد درباره موضوع پایان‌نامه‌اش توضیح دهد. برخی دیگر از اساتید روش‌های پیچیده‌تر و مطمئن‌تر را ترجیح می‌دهند. آنان صبر و حوصله بیش‌تری به خرج می‌دهند و محکم‌کاری می‌کنند تا تیرشان حتماً به هدف بخورد^۱.

از گروه‌های هدایتگر و داوری که دچار این‌گونه سوء رفتار باشند چگونه می‌توان انتظار داشت که با صرف وقت و دقت تشخیص انتقال بدهند و یا رگه‌های سایه‌نویسی را بیابند و اگر هم تشخیص دادند با آن رفتاری بازدارنده داشته باشند. این بحث ادامه دارد.

فربرز خسروی

۱. علوی‌تبار، هدایت.

آسیب‌شناسی عملکرد اساتید در

زمینه پایان‌نامه. *روایت*، شماره

۵، ص ۱۰-۲۲